

تأثیر دوران تحول در منظر طبیعی شهر تهران*

چکیده | فضای سبز به گونه‌ای که در اختیار عموم مردم قرار داشته باشد و در کنار آن تعاملات اجتماعی و فرهنگی شکل بگیرد، از زمان‌های بسیار دور در ایران در قالب تفرج-زیارت در محل امامزاده‌ها وجود داشت. دو عنصر آب و گیاه که در اندیشه ایرانیان دارای تقدس و احترام خاصی است با همجواری در کنار بقاع متبرکه امامزادگان بر وجه تقدس و احترام آنها افزوده شد. اما در دوران گذار از سنت به مدرنیته، در دوره پهلوی فضاهای سبز عمومی در قالب فرم جدید به صورت پارک شهری و به تبعیت و تقلید از غرب در ایران شکل گرفت. علی‌رغم ایجاد فضاهای سبز در مقیاس گسترده‌تر، بیگانه بودن این فضاها با اندیشه و ذهنیت ایرانیان منجر به گسست ارتباط با این گونه فضاها شد. این مقاله با بررسی و مقایسه ویژگی‌های مختلف در ارتباط با نمونه‌های فضای سبز عمومی در دوران سنت و مدرنیته سعی بر واکاوی و تحلیل دلایل دور شدن انسان معاصر از فضای سبز علی‌رغم بالا رفتن سرانه آن در فضاهای شهری دارد.

سید امیر منصوری
دکتری مطالعات شهری با گرایش
منظر، هیئت علمی دانشگاه تهران.

Seyedamir.mansouri@gmail.com

مریم محسنی مقدم
پژوهشگر دکتری معماری، ایران،
لابراتوار نظر، ایران و دانشگاه پاریس
۸، فرانسه.
maryam.mohseni.m@gmail.com

واژگان کلیدی | فضای سبز عمومی، امامزاده، پارک شهری، دوران تحول.

مقدمه | از دیرباز فضاهای سبز عمومی در ایران، در

مقیاس محله‌ای و خرد در ارتباط با زندگی روزمره مردم بود. این فضاهای خرد دربرگیرنده یک درخت و جوی آب در محلات مختلف به صورت تمرکزگرایز در محیط شهری پراکنده بود و تعاملات اجتماعی و فرهنگی مردم در مجاورت آنها صورت می‌گرفت. اما در دوران تحول علی‌رغم ایجاد فضاهای سبز عمومی در مقیاس گسترده‌تر، ایجاد پارک‌های شهری و بالا رفتن سرانه فضای سبز، منجر به مستحکم‌تر کردن ارتباط مردم با طبیعت نشد. زیرا این فضاهای سبز عمومی از زندگی روزمره مردم فاصله داشت و صرفاً در قالب یک فضای تفریحی و تفرجی دیده شده بود. عملکردهای هویت‌بخش گذشته از آنها جدا شده و این امر باعث گسست ارتباط شهروندان با اینگونه فضاها شد. در صورتی که در گذشته احترام و تقدس طبیعت و عناصر طبیعی اهمیت بیشتری داشت؛ عملکردهای مختلف مانند زیارت و تعاملات اجتماعی و فرهنگی در کنار فضاهای سبز محله‌ای هرچند کوچک در این فضاها شکل می‌گرفت و مردم را در ارتباط نزدیک با طبیعت که لازمه زندگی و نیاز بشر است، قرار می‌داد. چنانچه در رویکردهای دینی، توصیه می‌شود وجه معنوی و قداست طبیعت به باور انسان بازگردانده شود، زیرا باورهای اعتقادی انسان که با پشتوانه اعتقادی نسل‌های متمادی شکل گرفته، بر نحوه تعامل وی با محیط طبیعی تأثیرگذار است و اگر در اعتقاد و اندیشه مردم، احترام و علاقه به طبیعت وجود داشته باشد، می‌توان گفت که حضور طبیعت از نظر فرهنگی و ذهنی امکان‌پذیر خواهد بود.

فرضیه

فضاهای سبز عمومی برای ایرانیان از دیرباز هر جا که عنصر آب، درخت و بنایی مقدس وجود داشته، محلی برای تفرج در کنار زیارت بوده است. با توجه به تحولات دوران پهلوی که دوران گذار از سنت به مدرنیته بود، پارک‌های شهری به عنوان فضاهای سبز عمومی مطرح شد که حضور درخت و گیاه در مقیاس کلان اما جدا از فعالیت‌های زندگی روزمره مردم بود و این منجر به کم‌اهمیت شدن ارتباط مردم با فضای سبز شد.

روش تحقیق

این پژوهش از طریق روش توصیفی-تحلیلی و نحوه جمع‌آوری اطلاعات براساس مطالعات کتابخانه‌ای، استفاده از اسناد و مدارک موجود و نقشه‌ها انجام شده است. مقایسه معیارهای مختلف در ارتباط با دو گروه؛ فضای سبز دوران سنت و مدرن در تهران بر اساس عملکرد درون فضایی، فرم و شکل معماری، نحوه ارتباط با بافت شهری و جایگاه و شأن درخت صورت گرفته است.

فضای سبز در دوره سنت

توجه و احترام به طبیعت و زیارت در کنار عناصر طبیعی و گاه حتی زیارت درخت به عنوان عنصر طبیعی مقدس در فرهنگ ایرانیان از گذشته تاکنون وجود داشته است. «بخشی از فرهنگ تقدس گیاهان به طور عام و درخت به طور خاص، در ادیان طبیعت‌گرای جهان باستان و ایران قدیم وجود داشته است. مفهوم درخت مقدس به عنوان نخستین موجود زنده و نماد حیات و جاودانگی، در اغلب فرهنگ‌های باستانی جای دارد» (منصوری و جوادی، در دست چاپ). بسیاری از مکان‌های مقدس که امروزه در کنار آب‌ها واقع شده‌اند یا روزگاری چشمه و درختی مقدس در آنجا وجود داشته است یادگاری از باورهای کهن مبتنی بر طبیعت‌گرایی است که ریشه در اعتقاد به ایزدان مهر و آناهیتا دارد (جوادی، ۱۳۸۶). در دیدگاه اسلام نیز طبیعت و درخت به عنوان عناصری که نشانه‌ای از ذات یگانه پروردگار هستند معرفی می‌شوند و قابل احترام هستند. بقعه امامزاده‌ها با توجه به تقدشان همواره در کنار عناصر طبیعی مکان‌یابی می‌شد و قرارگیری آنها در کنار عناصر طبیعی آب و درخت آنها را تبدیل به مکانی برای تفرج مردم می‌کرد. بنابراین فضاهای سبز عمومی در سال‌های متمادی، برای ایرانیان در قالب زیارتگاه‌هایی بود که تعاملات اجتماعی و فرهنگی را نیز دربرمی‌گرفت.

امامزاده شاه عبدالعظیم حسنی

آرامگاه شاه عبدالعظیم در شهر ری در جنوب تهران قرار دارد و زمان ساخت آن به دوره ایلخانی، صفوی و قاجار برمی‌گردد. آن گونه که دیولافوا اشاره دارد، به عهد قاجار در شمال شهر ری باغ‌های زیادی با دیوارهای گلی قرار داشت که چون در نزدیکی حرم عبدالعظیم حسنی جای داشتند، برای استراحت زنان نیز مناسب بودند. گنبد طلایی این مقبره از دور دارای درخشندگی خاصی است و درختان کهن چنار و نارون در اطراف آن سر به آسمان کشیده‌اند (دیولافوا و دونور، ۱۳۷۱). یکی از این باغ‌ها به نام باغ طوطی، گورستانی در ضلع غربی حرم شاه عبدالعظیم است که از یک سو به حرم و از سوی دیگر به بازار مجاور حرم راه دارد. این گورستان محل دفن بسیاری از مشاهیر است و در آن روزگار محلی برای تفرج مردم در کنار عملکرد زیارت بوده است (تصویر ۱).

امامزاده صالح

امامزاده صالح، زیارتگاهی در محله تجریش در شمال تهران است. در محل این امامزاده یک درخت چنار قدیمی وجود داشت که از معروف‌ترین چنارهای کهنسال ایران بود و قدمت آن به هشتصد سال می‌رسید. وجود درخت و عناصر طبیعی در یک مکان در باور ایرانیان، آن را مقدس می‌کرد و می‌توانست آن را بستر مناسبی برای ایجاد مکان‌های زیارتی کند. مکان‌های چندعملکردی که فعالیت‌های تفریح و تفرج، زیارت و تعاملات اجتماعی مردم را همزمان در خود دارد. در سفرنامه مادام دیولافوا نیز به چنار کهنسال این امامزاده و فعالیت‌های مردم در جوار آن اشاره شده است: «در مسجد (بقعه امامزاده



تصویر ۱: آرامگاه شاه عبدالعظیم و باغ‌های اطراف آن. مأخذ: www.seratnews.ir

از یک سو شاهد اقدامات عمرانی و فعالیت‌هایی به منظور مدرن‌سازی کشور در شهرها، مانند تخریب محلات قدیمی و کشیدن خیابان‌های جدید و باغ ملی هستیم و از سوی دیگر، گسترش بروکراسی دولتی به عنوان وسیله‌ای برای تسلط و حاکمیت هرچه بیشتر حکومت مرکزی بر فعالیت‌های روزمره مردم شد (کاتوزیان، ۱۳۸۶).

از انتقادات وارده به سیاست شهری دوره پهلوی کاهش نقش مشارکت‌های مردمی است. «این سیاست‌ها نه تنها نقش مشارکت‌های مردمی را در سیاست شهری کم‌رنگ کرد، بلکه وابستگی تمام امور بلدی‌ها یا شهرداری‌ها به دولت و عملاً به سمت تمرکزگرایی پیش رفت. سیاست تمرکزگرایی حکومت‌های این دوره در عرصه‌های دیگر نیز به وضوح قابل مشاهده است. بنابراین باید اذعان داشت دگرگونی فضای شهری از طریق مداخلات وسیع دستگاه سیاسی صورت پذیرفت و نه از طریق دگرگونی‌ها و جنبش‌های اجتماعی» (شعبانی و کامیاب، ۱۳۹۱). بنابراین در شکل‌گیری فضاهای سبز عمومی این دوره نیز شاهد تمرکزگرایی و ایجاد پارک‌های شهری به سبک غربی هستیم. در صورتی که در شهرهای سنتی ایران، فضای سبز عمومی به صورت تمرکزگرایز و در مقیاس‌های خرد وجود داشته

صالح) تجریش چنار عجیب و غریبی است، که کمتر نظیر آن در دنیا پیدا می‌شود. قطر فوق‌العاده آن را نمی‌توان دقیقاً با رقم معین کرد. تقریباً محیط آن به پانزده متر می‌رسد. هریک از شاخه‌های آن مانند تنه درخت کهنسال‌ی در بالای بنای مسجد و سایر اطراف سر به آسمان کشیده است. این درخت عده کثیری را در سایه خود پناه می‌دهد. مؤمنین در زیر آن نماز می‌خوانند. مکتب‌دار اطفال را در آنجا جمع‌آوری کرده و درس می‌دهد. قهوه‌چی سماور و استکان و لوازم خود را در درون آن قرار داده است. سقا هم کوزه‌های پرآب خود را در گوشه‌ای از تنه آن گذارده است» (همان)؛ (تصویر ۲).

تحولات عمده دوران پهلوی

آغاز حکومت پهلوی با گسترش نوسازی و چیرگی فرهنگ غربی بر جامعه شهری ایران همراه بود. در این دوره سیاست شهری در ایران دارای این شرایط بود: از نظر درآمد، به طور کامل وابسته به درآمدهای نفت، از نظر اختیار و اقتدار مدیریت، به صورت بخشی رسمی از دولت مرکزی، از نظر الگوهای فکری، تقلید روش‌های اروپایی (کامروا، ۱۳۹۱). هدف و عرصه اجرای این سیاست‌ها، در عمل شهرها و طبقات اجتماعی شهرنشین بودند. بنابراین

تلقی شود» (همان). تأثیرات فکری نهضت مشروطیت و حضور طبقه جدیدتر تحصیل‌کردگان غرب در کنار طبقه حاکم که معتقد بودند جامعه سیاسی را باید بر پایه دگرگون‌سازی فرهنگ سنتی به فرهنگ مدرن پیش برد، در واقع چشم‌انداز سیاست‌های فرهنگی این دوره است. روشنفکران این دوره تنها راه رسیدن به تمدن غرب را دوری از سنت‌ها و فرهنگ دینی حاکم بر جامعه ایرانی می‌دانستند (علم، دشتی و میرزایی، ۱۳۹۳).

فضای سبز تهران در دوره پهلوی اول

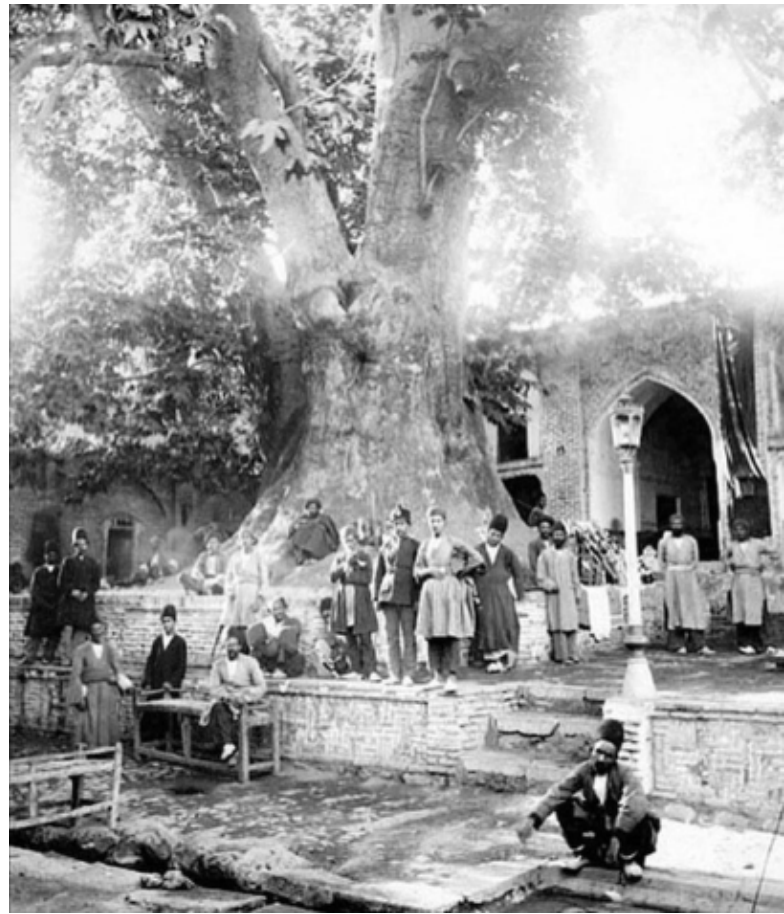
پارک‌های شهری معاصر زاینده تحولاتی در عرصه زندگی اجتماعی و شیوه‌های باغ‌سازی است که همگام با سایر جنبه‌های معماری و شهرسازی از دوره قاجار آغاز شد، اما محصولات عمده آن با نیم قرن تأخیر پا به عرصه شهرهای ما گذاشته است (سلطانی، ۱۳۸۶). اولین فضاهای سبز عمومی در تهران؛ باغ ملی در محل میدان مشق و پارک شهر در محله سنگلج هستند. در ادامه به معرفی و مقایسه این فضاهای سبز مدرن با الگوی سنتی آن در کنار امام‌زاده‌ها خواهیم پرداخت.

باغ ملی

نخستین فضای سبز عمومی شهر تهران با نام باغ ملی در محل میدان مشق در دوره پهلوی اول ساخته شد (تصاویر ۳ و ۴). بنیاد میدان مشق که محل انجام تمرینات نظامی بود، ظاهراً در زمان فتحعلی‌شاه گذاشته شده و سپس در دوره ناصرالدین‌شاه بنای آن تجدید شده بود. در سال ۱۲۷۸ ه.ق میدان مشق به صورت میدانی مربع شکل درآمد و دیوارهای مشتمل بر طاق‌نماهای آجری گرداگرد آن ایجاد شد و در سال‌های بعد بنایی به شیوه معماری روسی (در شمال آن) بنا گردید که مرکز قزاقخانه بود. تجدید ساختمان این میدان به کوشش میرزا محمدخان سپهسالار انجام گرفت. بنا به نوشته جکسون در پایان دوره قاجار این میدان کمتر مورد استفاده بود و بیشتر به یک میدان بلااستفاده تبدیل شده بود که در دوره حکومت پهلوی تبدیل به مکانی برای گذران اوقات فراغت مردم می‌شود. باغ ملی در واقع نخستین پارک عمومی تهران است که از اسفند ماه سال ۱۳۰۶ هجری قمری کار احداث آن آغاز شد. در ۱۹ اسفند ۱۳۰۶، در روزنامه اطلاعات بیانیه‌ای است که خبر از تبدیل میدان مشق به یک باغ عمومی ملی می‌دهد. در ۱۴ فروردین ۱۳۰۷ نیز آغاز احداث باغ ملی در همین روزنامه درج شده است و در مهرماه ۱۳۰۷ این پارک عمومی مورد بهره‌برداری قرار گرفت (حبیب، اعتصام و قدوسی‌فر، ۱۳۹۲).

پارک شهر

از نمونه‌های اولیه پارک‌سازی معاصر، پارک شهر در محله سنگلج تهران است که در سال ۱۳۳۹ هجری تأسیس شد (تصویر ۵). مساحت این پارک تقریباً ۲۵ هکتار است و هشت ورودی دارد. طراح این پارک دکتر پولن انگلیسی، مشاور شهردار آن زمان بوده است. «پارک شهر بیشتر به قصد ایجاد فضایی شبه‌طبیعی در شهر و مکانی برای گردش و قدم زدن در محیط طبیعی احداث شده بود و



تصویر ۲: درخت چنار کهنسال در جوار امام‌زاده صالح.

مأخذ: www.goftogoonews.com

و نقش مشارکت‌های مردمی در آن پررنگ بوده است. الگوهای برنامه‌ریزی و طراحی شهری، ادامه و تکرار الگوهای کالبدی ساده با نگرش کالبدی، محدود به خیابان‌کشی و ایجاد نقاط عطف بصری مانند میدان و باغ ملی به همراه احداث ساختمان‌های مهم دولتی است. این نقاط عطف، تقلیدی از شهرسازی باروک در اروپا در مقیاس یک کشور جهان سومی اشغال‌شده به دست نیروهای متفقین و در قبضه شرکت‌های نفتی است. نوسازی شهری در دوره پهلوی، در جهت مقابله با شهر رشدنیافته دوران قاجار بود که به علت نالایقی حاکمان آن دوره پیشرفت حائز اهمیتی نکرده بود. اما این نوسازی‌ها با تقلید از اصول و شیوه‌های غربی صورت می‌گرفت و در این دوره توجهی به پیشینه و سنت‌های شهرسازی ایران نمی‌شد. نادیده گرفتن اصول و فرهنگ ایرانی و عدم توجه به پیشینه و تاریخ ایران باعث گسست ذهنی مردم با فضاهای جدید و عدم تعامل آنها با فضاهای به ظاهر مدرن اما بیگانه بود. «از این رو عزم حکومت پهلوی اول برای تقلید از غرب و غیبت نمایندگان واقعی اجتماع در عرصه‌های تصمیم‌گیری موجب شد شعار تجدد و نوزایی پهلوی اول، در حقیقت خروج از یک بحران و ورود به بحران دیگر

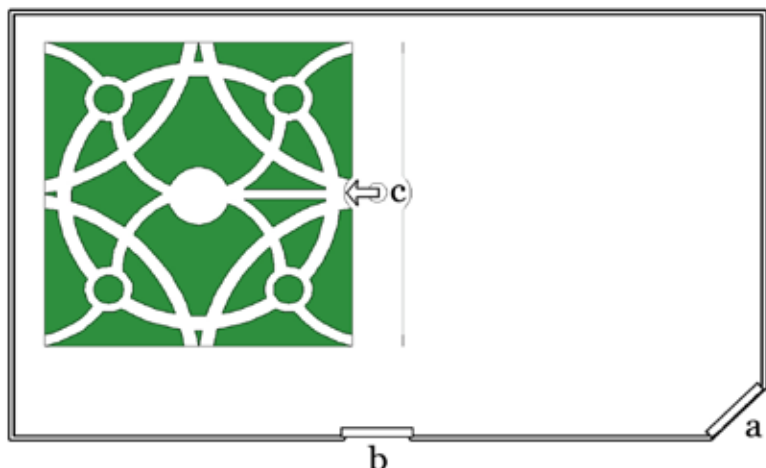
شد. «قبل از ساخته شدن باغ ملی، این میدان به زمینی خاکی تبدیل شد که جوان‌ها در آن بازی الک-دولک و اواخر تمرین دوچرخه و موتورسیکلت می‌کردند. همچنین در آن بالن هوا کرده، نشان مردم می‌دادند و اولین بار در آن طیاره به هوا فرستاده و به تماشا گذارده شد» (شاه ربیان به نقل از حبیب، ۱۳۹۲). در واقع قبل از تبدیل این میدان به فضای سبز عمومی شهری، کاربری جدید آن که محلی برای گذران اوقات فراغت مردم بود، توسط استفاده شهروندان از آن تعیین شده و هویت جدید خود را در قالب عملکرد شهروندان یافته بود و سپس شهرداری اقدام به طراحی بخشی از آن به عنوان پارک شهری کرد.

پارک شهر نیز در گذشته، محله‌ای بوده به نام سنگلج با خانه‌هایی از خشت و آجر که تا پیش از جنگ جهانی دوم دوام داشتند و در گذشته یکی از مراکز مهم سیاسی تهران بود و رفته‌رفته رو به ویرانی نهاد. در سال ۱۳۱۸ به دستور رضاخان خانه‌های این محله از طرف شهرداری وقت برای ساخت طرح ساختمانی برای بورس بورس ریخته شد ولی به دلیل وقوع جنگ جهانی دوم تأسیس بورس به تعویق افتاد. تا قبل از سال ۱۳۲۸، نیمی از آن را شهرداری تهران اداره می‌کرد. در سال ۱۳۳۲ تهیه طرح پارک شهر و نظارت بر اجرای آن به دستور شهردار وقت انجام گرفت. این پارک در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی تأسیس شد و از آنجا که در آن زمان شهر تهران محل گردش و فضای سبزی نداشت، آن را پارک شهر نامیدند (ظفریان‌پور و قراعی‌نی، ۱۳۹۴).

فرم و شکل معماری

در باغ‌های اطراف امام‌زاده شاه عبدالعظیم از هندسه مستطیلی باغ‌های ایرانی برای طراحی حیاط و ایجاد باغچه‌ها استفاده شده است. حیاط در معماری ایرانی دارای شکل هندسی کامل است و محل قرارگیری دو عنصر مهم فضا سازی یعنی آب و درخت است (منصوری و جوادی، در دست چاپ). حیاط امام‌زاده‌ها به عنوان پیش‌فضای ورود به بنای مقدس برای زیارت، با دربرگرفتن این عناصر مقدس که از دوران باستان دارای احترام و تقدس بوده‌اند، از جایگاه خاصی در ذهن برخوردارند، اما در پارک‌های شهری دوران تحول استفاده از این عناصر به گونه دیگری در تلفیق با شیوه‌های غربی از ذهنیت هزاران ساله انسان ایرانی فاصله گرفت.

با وجود هندسه مستطیلی محوطه میدان مشق و قابلیت آن برای طراحی بر اساس هندسه مستطیل و اصول باغ ایرانی، تنها بخشی از زمین مورد نظر با هندسه مربع شکل انتخاب و به صورت متقارن طراحی شده است که نشان از نفوذ معماری اروپا در آن دارد. علاوه بر آن در طراحی فضای سبز باغ ملی شاهد استفاده از خطوط منحنی به سبک معماری اروپایی هستیم و از هندسه مستقیم‌الخط باغ‌های ایرانی در این فضای سبز تأثیری دیده نمی‌شود. «همچنین در این پارک به شیوه باغ‌سازی غربی اقدام به نصب مجسمه‌ای از رضاخان شده بود» (حبیب، اعتصام و قدوسی‌فر، ۱۳۹۲). عدم استفاده از آب در باغ ملی نیز مغایر با اصول باغ‌سازی ایرانی و فضای سبز سنتی امام‌زاده‌هاست. وجود عنصری به نام کیسک (کیوسک)



تصویر ۳: پلان باغ ملی تهران. (a) سردر قدیم میدان مشق - (b) سردر جدید میدان مشق - (c) ورودی باغ ملی. مأخذ: حبیب، اعتصام و قدوسی‌فر، ۱۳۹۲

نمی‌توانست پاسخگوی نیازهای فرهنگی مردم آن دوران باشد» (سلطانی، ۱۳۸۶). زیرا بر اساس رویکرد مدرنیسم، عملکرد فضای سبز از زندگی روزمره مردم جدا شد و فضای سبز عمومی را در ایجاد گستره وسیعی از درختان و عناصر طبیعی برنامه‌ریزی کردند که از سایر فعالیت‌های شهری منفک و صرفاً جنبه تفرج داشت. بنابراین علی‌رغم بالا بردن سرانه فضای سبز کیفیت اینگونه فضاها از جنبه ارتباط و پیوند با زندگی مردم تنزل یافت.

تحلیل معیارهای فضای سبز سنتی و مدرن

کارکردها و برنامه ریزی فضایی

امام‌زاده‌ها با توجه به وجه تقدس آنها همواره در کنار عناصر طبیعی آب و درخت که آنها هم دارای وجه احترام و تقدس در باور ایرانیان بوده‌اند، مکان‌یابی می‌شدند. مردمی که برای زیارت به امام‌زاده صالح یا حرم شاه عبدالعظیم می‌آمدند در زیر سایه درختان حیاط امام‌زاده و جوی آب روان در کنار درختان به استراحت و تفرج می‌پرداختند؛ کودکان در زیر درختان بازی می‌کردند، گاه جلسات وعظ و درس مذهبی در پای همین درختان مجاور امام‌زاده‌ها برگزار می‌شد و مردم به اقامه نماز در مجاورت آن می‌پرداختند. در واقع، در ایران دوران سنت فضای سبز عمومی در قالب این مکان‌ها وجود داشت و کارکردهای مختلف مرتبط با زندگی روزمره مردم در تلفیق با این فضاها سبز خرد اما معناگرا حیات خود را داشت. عملکردهای متنوع مذهبی، اجتماعی و فرهنگی در تلفیق با تفرج و تعامل با طبیعت در زندگی مردم جاری بود. اما سیاست حاکم در دوره پهلوی، در حوزه برنامه‌ریزی شهری، تغییر کاربری فضاها شهری بود. در محل میدان مشق که پیش از آن مکانی نظامی بود و بعدها استفاده چندانی از آن صورت نمی‌گرفت، با توجه به اهمیت یافتن فضای سبز عمومی در این دوره تبدیل به پارک عمومی



تصویر ۴: عکس هوایی باغ ملی تهران. مأخذ: حبیب، اعتصام و قدوسی فر، ۱۳۹۲



تصویر ۵: پلان پارک شهر. مأخذ: اطلس بوستان‌های شهر تهران، ۱۳۸۶.

«باغ ملی دارای بیشترین نزدیکی با شیوه‌های باغ‌سازی غربی اعم از پارک‌های عصر روشنگری و باغ‌سازی باروک پیشرفته است» (همان).

طراحی پارک شهر تلفیقی از اصول به کار رفته در باغ‌سازی ایرانی و اروپایی است. ساختار فضایی پارک با استفاده از تداخل خطوط مستقیم و منحنی است و آب‌نمای طویل

در نقطه مرکزی باغ ملی نیز نشانی از باغ‌سازی غربی دوره باروک است. با وجود اینکه در باغ‌های ایرانی نیز ساختمانی با نام کوشک در مرتفع‌ترین محل باغ احداث می‌شود، اما کیوسک ساخته‌شده در باغ ملی بیش از آنکه شبیه به کوشک‌های ایرانی باشد، کلاه‌فرنگی موجود در باغ‌های انگلیسی، باروک و رنسانس را تداعی می‌کند.

اسطوره‌شناسی باید توجه داشت که تنها عظمت، سترگی و پرعمری چنار نیست که باعث تقدس چنارهای کهن شده است، این نوجوان شدن هر سال چنار نیز هست که به آن حالتی جادویی و ستایش‌انگیز می‌بخشد (بهار، ۱۳۸۴). در فضای امامزاده صالح تک‌درخت چناری بود که در کنار آن فعالیت‌های مختلف صورت می‌گرفت. تک‌درخت موجود در امامزاده‌ها دارای شأن و منزلت خاصی بود. مردمی که برای زیارت امامزاده می‌آمدند بر این درختان دخیل می‌بستند، پارچه‌ای را برای گرفتن حاجت خود به شاخه‌های درخت گره می‌زدند و اعتقاد به برآورده شدن حاجات خود از این طریق داشتند. می‌توان گفت تقدس درختان و دخیل بستن ریشه در فرهنگ باستان ایران داشته است (منصوری و جوادی، در دست چاپ). مجاورت درخت با بنای مذهبی امامزاده و تک و منفرد بودن آن بر تقدس آن می‌افزود. همچنین درخت از جنبه زندگی‌بخش بودن و باروری نیز مورد تقدیس است. به طور کلی اعتقادات دینی بر باورهای مردم باستان تأثیر بسزایی داشته و باعث مقدس شمردن گیاهان شده‌اند. تعدادی از گیاهان و درختان را بهشتی و آسمانی پنداشته و برای آنها خاصیت نیروزایی، شفادهنگی و مسمومیت‌زدایی قائل شده‌اند (مبینی و شافعی، ۱۳۹۴). تقدس آب و گیاه یا چشمه و درخت در آیین مهر و آناهیتا وجود داشته است و با نیایش و قربانی همراه بوده، برخی از رسوم و مناسک در باورهای زرتشتی و سپس در سنن و آداب اسلامی راه یافته و به گونه‌ای دگردیسی کرده تا جایی که امروزه معنای آن با عقاید اسلامی درآمیخته است (جوادی، ۱۳۸۶). اگر امروز در فضاهای سبز کشورمان، درختان و گیاهان به احجام و اشیایی صرفاً تزئینی تبدیل شده‌اند قطعاً ناشی از رسوخ فرهنگ و باورهای است که دیدگاه نظری خود را بر جوامع انسانی تحمیل کرده‌اند (زمانی و همکاران، ۱۳۸۸). در پارک‌های شهری دوران مدرن، تعداد درختان در فضای سبز بسیار زیادتر اما از فعالیت‌های روزمره مردم جدا شد و همانگونه که در نمونه‌های اولیه آن در باغ ملی و پارک شهر مشاهده می‌شود، درختان با محوربندی در محدوده مشخصی قرار گرفته و تفرج مردم نیز در مسیرهایی مشخص در پارک صورت می‌گرفت. در واقع درختان در پارک دارای هویت فردی نیست. بنابراین در این گونه جدید از فضاهای سبز عمومی، گیاهان وجه تقدس خود را از دست داده و ذهنیت مردم نسبت به آنها در قالب پارک‌های شهری تغییر یافت.

کنار امامزاده‌ها و فضای سبز با الگوی مدرن در قالب پارک شهری پرداخته شده است. شکل‌گیری فضای سبز عمومی معاصر نیازمند بازنگری در الگوی طراحی و توجه به کهن‌الگوی ایرانی آن برای پیوند ذهنی و ادراکی مردم در کنار استفاده فیزیکی از فضای سبز است تا مانند گذشته تعاملات اجتماعی و فرهنگی بیشتر و پیوند فعالیت‌های روزمره مردم را با فضای سبز عمومی شاهد باشیم (جدول ۱).

شکل‌دهنده به محور اصلی باغ با درختان چنار و کاج اطراف آن تداعی‌کننده باغ‌های ایرانی است. با استفاده از عنصر آب و ایجاد فضای میدانگاه مرکزی از هندسه چهاربخشی موجود در باغ‌های ایرانی بهره گرفته شده، اما استفاده از خطوط منحنی در طراحی پلان و ایجاد دریاچه مصنوعی در بخشی از پارک نشان‌دهنده باغ‌سازی غربی است. همچنین استفاده از عناصری مثل مجسمه رضاخان در مسیر اصلی، زرده‌های فلزی و وجود پل بر روی دریاچه از نشانه‌های تأثیر اصول باغ‌سازی غربی است که از اواخر دوره قاجار رواج یافت.

ارتباط با بافت شهری و عملکردهای مکمل

فضای سبز مجاور امامزاده‌ها در ارتباط با دیگر عملکردهای روزمره مردم بود. امامزاده صالح در تجریش و حرم حضرت عبدالعظیم در شهر ری هر دو در مجاورت بازار قرار داشتند و فعالیت‌های روزمره مردم در کنار زیارت و تفرج بود. اما پارک‌های شهری دوران مدرن، فضایی جدا و منفک از دیگر عملکردهای شهری در نظر گرفته شدند و فقط در اوقات فراغت مردم برای تفرج استفاده می‌شد. رویکرد مدرنیسم با توجه به اهداف عملکردگرایانه‌اش، هر فضا را در ارتباط با عملکرد خود در نظر می‌گرفت و آن را از دیگر عملکردها جدا می‌کرد. بنابراین با توجه به نفوذ مدرنیسم در شهرسازی دوران پهلوی در ایران، فضای سبز نیز بخشی جدا از سایر عملکردها در نظر گرفته شد که فقط عملکرد تفرج آن مد نظر بود.

بافت شهری تهران و سایر شهرهای ایران در این دوره مطابق با الگوهای سنتی ایرانی بوده و بر همین اساس به واسطه وجود حیاط‌های باغچه‌دار بزرگ و باغ‌های درون شهری، نیاز به ایجاد فضای سبز جمعی، آن‌گونه که در اروپا وجود داشت به چشم نمی‌خورد (سلطانی، ۱۳۸۶). با این حال در نمونه‌های اولیه فضای سبز مدرن، در باغ ملی و پارک شهر مشاهده می‌شود فضاهای سبز گسترده‌ای که فارغ از پیشینه فضای سبز عمومی در ایران، لایه‌های عملکردی دیگر را از آن جدا نمود و تنها به عملکرد گذران اوقات فراغت در آنها توجه شده است. این چنین فضاهایی بر حسب نیاز جامعه شهری شکل نگرفته بود و تنها جنبه تقلیدی آن از اروپا باعث ایجاد چنین فضاهایی در بافت شهری تهران شد.

شأن و نقش گیاه

یکی از درختانی که معمولاً در کنار امامزاده‌ها وجود دارد، درخت چنار و خصوصاً چنارهای کهن است. به لحاظ

نتیجه‌گیری | با بررسی تحولات ایجادشده در دوران پهلوی و تأثیر آن در شکل‌گیری فضاهای سبز عمومی در قالب پارک‌های مدرن می‌توان نتیجه گرفت که بالا بردن سرانه فضای سبز بدون در نظر گرفتن کیفیت و توجه به پیشینه آن در الگوهای سنتی فضای سبز در ایران، نتیجه مطلوبی را در پی نخواهد داشت. پارک و فضای سبز در دوره پهلوی جنبه تقلیدی داشت. در جدول زیر به مقایسه فضای سبز با الگوی سنتی در

فضای سبز عمومی	کارکردها و برنامه‌ریزی فضایی	فرم و شکل معماری	ارتباط با بافت شهری	شأن و نقش گیاه
فضای سبز دوران سنت	چندعملکردی	تلفیق سه عنصر گیاه و آب و بنای مقدس: طبق اعتقادات ایرانیان از دوران باستان استفاده از هندسه مستطیلی چهارباغ ایرانی	در پیوند با بافت زندگی شهری	تک‌درخت: دارای تقدس و احترام
فضای سبز دوران مدرن	تک‌عملکردی	تأثیرپذیری از باغ‌سازی غربی: استفاده از خطوط منحنی در طراحی به کارگیری عناصر و المان‌های غربی	جدا شدن از بافت زندگی شهری	استفاده از درختان پرشمار: دور شدن از وجه تقدس درخت

پی‌نوشت

* این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی «منظربران» است که به صورت مشترک میان پژوهشکده نظر و لابراتوار لدیس (Ladyss) دانشگاه پاریس ۸ از فرانسه و تحت حمایت طرح پژوهشی جندی شاپور وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری ایران (مرکز مطالعات و همکاری‌های علمی بین‌المللی) و وزارت خارجه فرانسه (بخش فرهنگی سفارت فرانسه در ایران) در حال انجام است.

فهرست منابع

- اطلس بوستان‌های شهر تهران. (۱۳۸۶). تهران: سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهر تهران.
- بهار، مهرداد. (۱۳۸۴). *از اسطوره تا تاریخ*. تهران: انتشارات چشمه.
- جوادی، شهره. (۱۳۸۶). اماکن مقدس در ارتباط با طبیعت (آب، درخت و کوه). *فصلنامه باغ نظر*، ۴ (۸).
- حبیب، فرح؛ اعتصام، ایرج و قدوسی‌فر، سید هادی. (۱۳۹۲). تبارشناسی پارک‌های شهری دوره پهلوی اول، نمونه موردی: باغ ملی تهران. *مجله معماری و شهرسازی آرمان‌شهر*، ۱۱: ۶۱-۷۳.
- دیولافوا، مادام ژان و دونور، شوالیه لژیون. (۱۳۷۱). *ایران، کلمه و شوش*. ترجمه: علی‌محمد فره‌وشی. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- زمانی، احسان؛ لیلیان، محمد رضا؛ امیرخانی، آریین و اخوت، هانیه. (۱۳۸۸). بازشناسی و تحلیل جایگاه عناصر موجود در باغ ایرانی با تأکید بر اصول دینی-آیینی. *مجله باغ نظر*، ۶ (۱۱): ۳۸-۲۵.
- سلطانی، مهرداد. (۱۳۸۶). شکل‌گیری بوستان‌های شهری در دوره معاصر: گذر از مفهوم باغ به پارک (با محوریت تجارب تهران). *مجله باغ نظر*، ۴ (۸): ۴۸-۵۸.
- شعبانی، امامعلی و کامیاب، جمال. (۱۳۹۱). سیاست شهری در تاریخ معاصر ایران (۱۲۹۹-۱۳۲۰ ه.ش) با تأکید بر فضاهای عمومی شهر تهران. *فصلنامه باغ نظر*، ۹ (۲۳): ۹۲-۸۳.
- ظفریان‌پور، آیدا و قراعینی، حامد. (۱۳۹۴). بررسی محیط کالبدی و حس مکان در پارک شهر تهران. سومین کنگره بین‌المللی عمران، معماری و توسعه شهری. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- علم، محمدرضا؛ دشتی، فرزانه و میرزایی، بیژن. (۱۳۹۳). برنامه تجدید و نوسازی ایران در عصر رضاشاه پهلوی. تحقیقات تاریخ اجتماعی. ۴ (۱): ۸۶-۶۱.
- کاتوزیان، همایون. (۱۳۶۸). *اقتصاد سیاسی ایران*. ترجمه: محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز.
- کامروا، محمدعلی. (۱۳۹۱). *شهرسازی معاصر ایران*. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- مبینی، مهتاب و شافعی، آزاده. (۱۳۹۴). نقش گیاهان اساطیری و مقدس در هنر ساسانی (با تأکید بر نقوش برجسته، فلزکاری و گچ‌بری). *مجله جلوه هنر*، ۱۴ (۱): ۶۵-۴۵.
- منصوری، سید امیر و جوادی، شهره. (در دست چاپ). سه‌گانه منظر ایرانی.